

قصیده طوفان

QASIDAH-I-TUFAN

By

Mirza Tayyib Tufan

Folios	:	11
Subject	:	Persian Poetry
Illustrated/Illuminated:		First two pages are illuminated
Script	:	Nasta'liq
Scribe	:	Haydar 'Ali Sayyid Ni'mat-ul-Lahi
Date of transcription	:	1242 A.H.
Condition	:	Good
HL No.	663 ;	Cat No. 417

A very beautiful copy of a Qasidah by Tufan.

Mirza Tayyib, with the takhallus Tufan, was a native of Hazar Jarib in Mazandaran, and, like Fauqi, was known for the pungency of his wit. After receiving his training at home he came to Isfahan where he began to write satirical and licentious poems; but subsequently, when he came to Najaf, he was very penitent on account of his obscene compositions and thenceforth composed poems in praise of the prophet and the Imams. He died at Najaf in A.H. 1190 = A.D. 1776, and his friend Adur composed the following chronogram on his death:

آسود چو در خاک نجف آذر گفت
طوفان در دریای نجف شد ز صفا

See Atash kadah, p. 221 and Majma'-ul-Fusaha. vol. ii, p. 341.

This copy contain only one Qasidah in praise of 'Ali. It begins thus on fol. 1b:

جرمم آنجا که لنگر اندازد
گردش از چرخ اخضر اندازد

The poet's diwan is mentioned in Rieu, p. 808, and Supplt., No. 342.

ΟΑΣΙΔΑ Η-Ι. ΤΥΡΑΝ.

Ο. Ε. Δ. Ι.

663

663

H. L. NO. 663

66'

c - 417

X

P. N. 4374

KHEDA DIST. C.P. LIBRARY
Prog. No. 4392 (Series)
Date 26-7-1955
Section Manuscript



Gasar
mulla

81

417

444



روزگار از کس ماه من مروز
مهر سکنند از دزد
روزگار از کس ماه من مروز
مهر سکنند از دزد
روزگار از کس ماه من مروز
مهر سکنند از دزد

عصایم از کوه
سور و مفسد
از کوه و مفسد
از کوه و مفسد
از کوه و مفسد
از کوه و مفسد
از کوه و مفسد
از کوه و مفسد

آنگاه از امر و صفت زحاج
که در دلی کوهر اندازد

آنگاه که کشیدند پروانه
که بر این چنین اندازد

از پیوسته کتاب
مقتضی کتب اندازد
از کتب و اشعار
بر شیخ جاد اندازد

کرمین نام او بود
 نویسنده کتاب از انداز
 کرمین نام او بود
 نویسنده کتاب از انداز

۴
که چرخ مدور از لطف
نظر فیض منظر اندازد

تا که مستور او شود یک
که در ز خود بر اندازد

کشتن شعله برین شمس
رخسده در محراب خاور ایزاد

نغمه اشک در زمزم عالم
سبز زلف خواجه ایزاد

که گویند ناز سیده
بار سیماره از نازد

بر عیالی شد بوی
قون و عقد کوهر نازد

شیراز کباب در میان
نطفه در وطن با درازد

آسمان طالعش کندوز
میکشدش دو سکه اندازد

آسمان از کلاه دار کی
تاج خورشید از سر اندازد

روز خورشید بختی با جان
بسیار شود که هر روز

شاه چرخ از بوی گل
نیست گنجی که از او
یا علی یحیی بن اسماعیل
بر کردن کشت سر ایزد

این وصف تو شد که می پند
بدو انست خیر اندازد

هر سده در دست که کرد
طرح افلاک در اندازد

که بسیندخ توایست
که کور کند اندازد

که بخواند فلک ترا در
صفحت از با کمر اندازد

دست اندازید قصر جاه را
حلقه پنج بر در اندازد

نیمین دلگشایک بفرم
عقد در کار صحراندازد

کتابخانه منسوب الی
از آقا فاضل کاتب
و هجرت کاتب از
زادگاه منسوب الی

بزرگوارم ای پسر
 که در این دنیا
 در این دنیا

در این دنیا
 در این دنیا
 در این دنیا

از سبب تو در صف بهجا
منع فراد جود از او
افکند خفا
سراش
عدو یار از او
حق

کتب و خط و نسخ و کتب
 خط و نسخ و کتب و خط
 خط و نسخ و کتب و خط
 خط و نسخ و کتب و خط

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

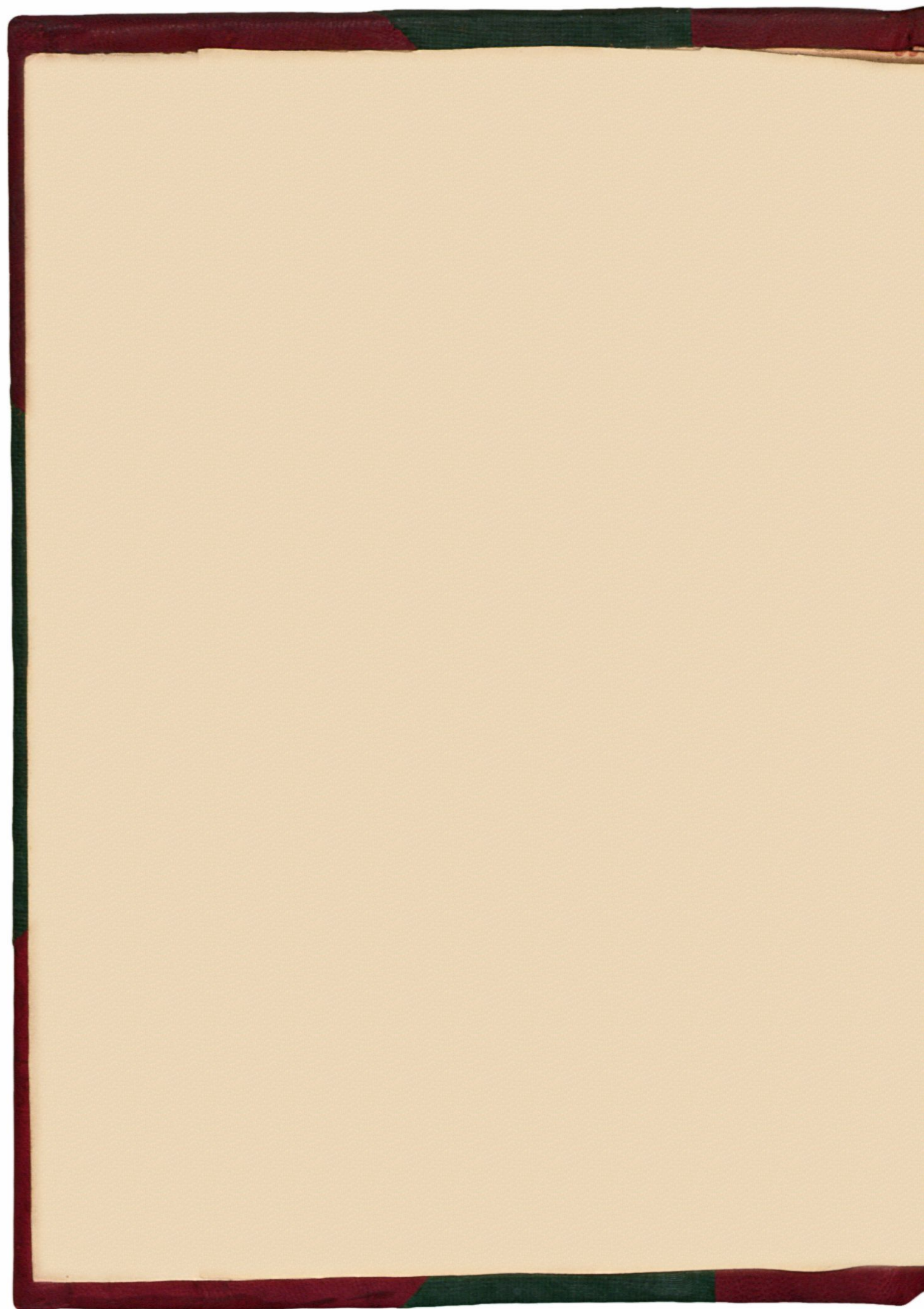
۱۱
 حکیم بقیه
 با قضاطی
 و تشنگی
 با علی
 سائز لطیف
 یعنی و راز خاک دار المزر
 به بخت تا محبت اندازد
 تمام

QUSIDA

MILAT UFA



No 81



KHEDA BAKHSH C.P. LIBRARY

PATIL

Prog. No. 4392 (Old Series)

Date 26-7-1955

Section Manuscript

